

مقایسه تئوری و عمل آموزش و پرورش در کشورهای ایران، ژاپن، انگلستان و سنگاپور

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۸۵-۷۶

فاطمه ابراهیمی مرمتی^۱، دکتر لادن سلیمی^۲، ملیحه نیازیان^۳

^۲ عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

^۳ دانشجوی دکتری برنامه درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

نویسنده مسئول:

فاطمه ابراهیمی مرمتی

چکیده

بررسی نظام های آموزشی کشور ها و مقایسه آن ها با یکدیگر برای کلیه کسانی که به نحوی با آموزش و پرورش سرو کار دارند، موضوعی جالب و آموزنده است. برای آن عده که عهده دار آموزش و پرورش فرزندان مردمنده، اعم از معلمان، مدیران، کارشناسان و برنامه ریزان آموزشی، اطلاع از وضع مدارس، دانشگاه ها، برنامه ها و هدف های آموزشی بین المللی، و نیز آگاهی از نوآوری هایی که پیوسته در نظام های آموزش و پرورش جهان صورت می گیرد و در دنیای امروز روندی فزاینده دارد، امری لازم و ضروری است، زیرا آگاهی از این اطلاعات به وسعت دید و کارایی آن ها در انجام فعالیت هایشان کمک می کند.

هدف از پژوهش حاضر مقایسه تئوری و عمل آموزش و پرورش در کشورهای ایران ژاپن، انگلستان و سنگاپور می باشد و روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعه مروری است. نتایج یافته های تجربی و نظری حاکی از آن است که کشور انگلستان نسبت به ایران از وضعیت آموزشی مطلوب تری برخوردار است و ایران برای رسیدن به این وضع مطلوب آموزشی فاصله زیادی دارد. هر چند انتقادات زیادی به سیستم آموزشی ژاپن وارد شده است، اما برخی از کشورهای اروپایی نیز از این سیستم پیروی می کنند. اصلی ترین عامل در این مورد وابستگی مادر و فرزند از بدو تولد است و چگونگی پرورش و آموزش کودکان ژاپنی توسط مادر تا ورود به مقطع تحصیلی است. همچنین نظام آموزشی سنگاپور شباهت زیادی به نظام آموزشی کشورمان دارد. نظام آموزشی آزاد و انعطاف پذیر سنگاپور دنبال کننده سیاست های آموزشی اقتصاد محور بوده که متمرکز بر رشد منابع انسانی است و سعی می شود تا دانش آموزان را با نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور آشنا سازد.

کلید واژه : تئوری ، عمل، آموزش و پرورش

مقدمه

کشور ما در حال حاضر یکی از مراحل مهم و در عین حال حساس و دقیق خود را در زمینه ی توسعه آموزش و پرورش می گذراند. بدیهی است به موازات بسط و توسعه نهاد آموزش و پرورش باید به مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دست زد، زیرا اینگونه مطالعات زمینه را برای انتقاد و رفع مشکل های نظام آموزش و پرورش فراهم می کند و اداره کنندگان چنین دستگاهی را در کشف و تحلیل مسائل تربیتی یاری می دهد (قلتش و همکاران، ۱۳۹۶).

آگاهی از جایگاه ویژه نظام های آموزشی و نقش آن ها در تغییرات اجتماعی و بویژه تحولات سیاسی دو دهه اخیر جهان سبب شده است که در بسیاری از کشورها، آموزش و پرورش تطبیقی به یکی از پویاترین رشته های علمی مورد توجه سیاستمداران، دانشمندان حوزه های گوناگون علوم انسانی و دست اندرکاران و برنامه ریزان آموزشی مبدل شود. در کشور ما به عکس روند جهانی این رشته علمی کمتر مورد بحث، بررسی و پژوهش محققان قرار گرفته است (آقازاده، ۱۳۹۲).

آموزش و پرورش تطبیقی یعنی مطالعه نظام های آموزشی به قصد پیدا کردن شباهت ها و تفاوت ها. اما متخصصان این رشته، در عمل از این تعریف تبعیت نکرده و قلمرو این علم را فراتر از شناخت مشابَهت ها و تفاوت ها پنداشته اند.

دانش آموزش و پرورش تطبیقی امروزه در اغلب کشورها، دانشی گسترده است که به مقایسه و نقد و تحلیل پدیده های تربیتی در یک نظام آموزشی یا چند نظام آموزشی کشورهای مختلف جهان می پردازد (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهشگران آموزش و پرورش تطبیقی مایل اند تا علت تفاوت نظام ها و نیز فرآیند های آموزشی را با یکدیگر تبیین و نیز رابطه بین آموزش و پرورش را با عوامل اجتماعی و اقتصادی بررسی کنند. با استفاده از یافته های پژوهشگران تطبیقی می کوشند تا نظام های آموزش و پرورش مورد مطالعه خود را دقیق تر بشناسند و سرانجام بهتر بتوانند به مدد مطالعات خود، سیاست هایی را در زمینه برنامه هایی مانند مبادله استاد و دانشجو، انتقال تجربه های آموزشی و ... اتخاذ کنند (محسن پور، ۱۳۸۹).

در روزگار ما، همه ی ملت ها، با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و یا در حال پیشرفت به مسأله ی برنامه ریزی و اصلاحات آموزشی، با توجه به آخرین روش های آموزشی و فنی و پیشرفت های علمی جهان، توجه خاص دارند. این توجه تقریباً فراگیر و جهانی است و نسبت به دیگر فعالیت های اجتماعی از اولویت خاص برخوردار است. بررسی تاریخ تحول نظام های آموزشی جهان نشان می دهد که به منظور تحقق این امر اغلب کشورهای پیشرو از مطالعات و پژوهش های تطبیقی در زمینه ی آموزش و پرورش بهره گرفته اند و از آن به عنوان شرط لازم برای طراحی نظام های آموزشی نوین خویش نام می برند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۵).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آموزش و پرورش تطبیقی

تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می شود که در آن دو یا چند پدیده را در کنار هم قرار داده، به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه، آن ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. اصطلاح «آموزش و پرورش تطبیقی» را نخستین بار مارک آنتوان ژولین در سال ۱۸۱۷ مطرح کرد. (ابراهیمی مقدم و خوش چهره، ۱۳۹۵).

یکی از یافته های مهم پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش این است که نظام های آموزشی در ارتباط دائم و لازم با دیگر نظام های پیرامون (فرهنگ، اقتصاد و سیاست...) عمل کند (آرمند، ۱۳۹۴).

اهداف یا مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش

- مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش نشان می دهد که از میان گزینه های مختلف سایر کشورها چه روش هایی برای آموزش (در داخل کشور) قابل اجرا است.
- مقیاسی برای قضاوت در مورد عملکرد نظام های آموزشی ارائه می نماید.
- مجموعه ای از داده های توصیفی و تفسیری را ارائه می دهد که امکان بررسی تجربه ها و رویه های مختلف در زمینه های بسیار گسترده را فراهم می نماید.
- داده های عینی معتبری فراهم نموده که باعث می شود از داده های عینی افراد دیگری (بیشتر سیاست مداران و مدیران) که مقایسه ها را صرفا برای مجموعه ای از دلایل سیاسی و یا سایر دلایل به کار می گیرند، کمتر استفاده شود.
- از طریق به بحث کشیدن تفاوت ها و شباهت های فرهنگی و ارائه تفسیرهایی برای آن ها، همکاری و درک متقابل را در میان ملل، گسترش می دهد (دیوید فیلیپس و میشل شوایسفورث، ۱۳۹۶).

تئوری آموزش و پرورش تطبیقی

آموزش و پرورش تطبیقی به شدت وابسته به تئوری های علوم اجتماعی است در این بخش مهم ترین تئوری های مطرح در آموزش و پرورش تطبیقی و رابطه هر تئوری به نظام آموزشی و مطالعات تطبیقی توضیح داده می شود.

۱- تئوری ما بعد استعمارگرایی

اصطلاح ما بعد استعمارگرایی برای توصیف شرایط جهانی یا تغییر در نظام های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای دنیا بعد از پایان جنگ جهانی دوم به کار می رود. توصیف شرایط جهان معطوف به تفکیک بین دو دوره استعمار مستقیم و استعمار غیر مستقیم است. در دوره استعمار مستقیم کشورهای قوی (عمدتا اروپایی) به عنوان کشورهای امپریالیستی دارای سلطه نظامی بر کشورهای مستعمره بوده و منابع زمینی آن ها را غارت می کردند. در دوره استعمار غیر مستقیم این غارت شکل نامرئی تری پیدا کرده که تداوم وابستگی کشورهای فقیر به کشورهای غنی را اجتناب ناپذیر ساخت. طرفداران این تئوری صورت های جدید سیستم اقتصادی و فرهنگی را مورد نکوهش قرار داده که از آن با نام استعمارگرایی مدرن یاد می کنید که وجه بارز آن استفاده از نظام آموزشی برای تداوم سلطه فرهنگی بود. (معدن دار، ۱۳۸۵)

مبانی و نظرات اصلی اندیشمندان تئوری ما بعد استعمارگرایی را می توان به شکل زیر جمع بندی کرد :

- ۱- استعمار در طی زمان نابود نمی شود بلکه صورت خود را عوض می کند
 - ۲- استعمار فقط دارای شکل نظامی نیست
 - ۳- در دوره پس از استقلال سیاسی، استعمار در کشورهای مستعمره شکل فرهنگی پیدا می کند
 - ۴- استعمار فرهنگی باعث تغییر هویت و آوارگی فرهنگی در مردم استعمار شونده می شود.
- این تئوری مفروضات مربوط به برتری های فرهنگی و نژادی کشورهای استعمارگرا را که به ویژه می خواهند با توجه به آن، برتری های اقتصادی خود را ثابت کنند، مورد نقد و چالش قرار می دهد. (ساعی، ۱۳۸۵)

در عمل پژوهشگران تطبیقی باید بتوانند با توجه به این تئوری به سوالات زیر پاسخ دهند.

- ۱- تا چه حد از نظام های آموزشی کشورهای پیشرفته می توان الگو برداری کرد ؟
- ۲- نقش نظام های آموزشی کشورهای در حال رشد در روند افزایشی پدیده مهاجرت و فرار مغزها چیست ؟
- ۳- آیا باتوجه به گستردگی پوشش نظام آموزشی در اکثر کشورهای دنیا هنوز می توان از خود باختگی نام برد ؟
- ۴- آیا عملکرد نظام آموزشی یک کشور می تواند عقب ماندگی یا پیشرفت آن کشور را توجیه کند ؟

۲- تئوری ما بعد مدرن گرایی یا پست مدرنیسم

تعاریف و برداشت های گوناگون و بعضا متضادی از این تئوری وجود دارد. در قلمرو آموزش و پرورش شاید بتوان آن را نهضت فرهنگی بدانیم که تفسیر نوینی از ارتباط افراد و جوامع با یکدیگر ارائه می دهد. آن ها اشاره می کنند که نظام آموزش و پرورش موجود در جهان یکی از نشانه های تفکر مدرنیسم است که از دوره رنسانس پایه گذاری شده ولی این تئوری برای زمانه فعلی مناسب نیست آن ها عقاید و اصول مدرنیسم را نفی کرده و اصول جدیدی را در برابر آن قرار می دهند .

- ۱- نفی عقل گرایی و تجربه گرایی
- ۲- اعتقاد نسبی گرایی در شناخت

۳- رد تفکر تفوق (برتری) عقل بر احساس

۴- پذیرش نسبیت فرهنگی و قبول سنت ها

۵- نفی آزاد سود - محور (معدن دار، ۱۳۸۵)

در عمل مایه های فکری و خطوط کلی طرفداران این تئوری را نسبت به نظام آموزشی به شرح زیر تعیین کرد:

۱- حمایت از تربیت چند فرهنگی

۲- ارج نهادن به اقلیت های قومی، نژادی و جنسیتی

۳- ارج گذاری به دموکراسی واقعی و نه صوری در روابط اجتماعی و آموزش آن از سنین مدرسه

۴- توجه به خود آفرینندگی فراگیر در فراگرد یاددهی و یادگیری

۵- بها دادن به آموزش به عنوان اطلاعات یعنی امری متغیر و نه دانش به منزله موضوعی ثابت (دهبانی پور و خرم پور، ۱۳۹۵)

۳- تئوری فمینیسم

این تئوری هدف خود را بررسی و توجه به نقش و جایگاه نیمی از جمعیت جهان قرار داده است واز این بعد بر سایر تئوری های علوم اجتماعی که عمده تمرکز خود را معطوف به بررسی موضوعاتی نموده اند که شاید جزء قلیلی مردمان روشنفکر، دیگران به آن چندان توجهی ندارند ، فضل و برتری دارد.

بنیان های اصلی این تئوری عبارت است از:

۱- اعتقاد به وجود ظلم به زنان و نادیده انگاری آنان در همه عرصه های زندگی

۲- اعتقاد به تلاش و مبارزه برای احقاق حقوق زنان

۳- اعتقاد و تاکید بر نقش احساسات و عواطف و نفی عقل گرایی صرف

۴- تاکید بر تحلیل و نقادی نقش زن و مفهوم جنسیت در کلیه روابط اجتماعی (معدن دار، ۱۳۸۵)

چهار گروه عمده فمینیست ها :

۱- **فمینیست های لیبرال** : آن ها به برخوردار شدن زنان از حقوق برابر شهروندی همانند مردان ایمان دارند. از بعد تعلیم و تربیت موضوع مورد توجه آن ها این است که تفاوت های در خور توجه بین دو جنس زن و مرد ذاتی نبوده، بلکه حاصل اجتماعی شدن و شرطی سازی نقش جنسیتی از طریق نظام آموزشی است.

۲- **فمینیست های انقلابی**: از نظر آن ها نابرابری های جنسیتی شکل اصلی نابرابری های اجتماعی هستند. موضوع مورد توجه آن ها از بعد تعلیم و تربیت، اثبات این امر است که چگونه قدرت مردانه در همه حوزه های زندگی اعمال و تقویت می شود.

۳- **فمینیست های مارکسیست**: آن ها تلاش می کنند برای فروپاشی دستی زنان علتی مبتنی بر نظام سرمایه داری بیابند از بعد تعلیم و تربیت، موضوع مورد توجه آن ها با توجه به نقش نظام خانوادگی و اقتصاد صنعتی در تداوم ستم بر زنان است. این ستم ناشی از دو عامل بازداشتن زنان از کار فردی و کار بدون دستمزد در مراقبت و پرورش نسل بعدی کارگران به نفع نظام سرمایه داری است .

۴- **فمینیست های سوسیالیست**: آن ها معتقدند جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت همگی ستمدیدی زنان را پدید می آورند. از بعد تعلیم و تربیت موضوع مورد توجه آن ها، توجه به نقش نظام سرمایه داری در ترویج نظام سلطه بر زنان است، موضوعی که باعث افزایش ظاهری حضور زنان در محیط های کارگری با حقوق و دستمزد کمتر از مردان و به نفع نظام سرمایه داری می شود. (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۹)

در عمل از نظر فمینیست ها، نظام آموزشی می تواند ذهنیت های مبتنی بر تبعیض جنسی را حذف و ذهنیت مبتنی بر انسان سالاری را جایگزین آن سازد. همچنین از نظر آن ها نظام آموزش و پرورش رسالت مهم دیگری هم دارد که افزایش حس اعتماد به نفس و شخصیت در زنان است. بر این اساس هدف تعلیم و تربیت فمینیستی، ایمن سازی زنان در برابر حوادث و وقایع زندگی افزایش توانمندی و حس شخصیت در آنان است. تحقق این موضوع در بدو امر منوط به تغییر کتاب های درسی ، شیوه های ارتباطی معلمان با دانش آموزان دختر و پسر و نفی ارزش های مردانه حاکم بر محیط های آموزشی است . نقدهای جدی این تئوری به نظام آموزشی بویژه در موضوعاتی همچون تاکید افراطی بر نقش عقل در روابط انسانی و نادیده گرفتن نقش احساسات و عواطف و ارائه الگوهای شغلی جنسیتی می باشد. این امر باعث شد پژوهشگران آموزش و پرورش تطبیقی از سه جهت به بنیان های فکری جنبش فمینیسم توجه کنند :

۱- تحلیل رفتار کلاسی ۲- تحلیل محتویات برنامه درسی ۳- تحلیل مظلومیت جنسی

۴- تئوری نظام های جهانی

این تئوری شکل تکامل یافته تئوری وابستگی است که در سال های ۷۰-۱۹۶۰ بر بهره کشی و رابطه مبتنی بر سلطه بین نظام های اقتصادی کشورهای در حال رشد و کشورهای توسعه یافته تاکید می نمود. بزعم طرفداران تئوری وابستگی هیچ راهی برای رهایی جوامع جهان سوم از دلبستگی به امپریالیسم اقتصادی-سیاسی وجود ندارد و کشورهای جهان سومی هرگز قادر نیستند به مرحله توسعه برسند. این نگرش مبتنی بر یأس، زمانی که با تجربه کشورهای همچون کره جنوبی ، مالزی و سنگاپور روبرو گشت، باعث طرح نظریه تئوری نظام های جهانی گردید که بر اساس آن برخی کشورهای جهان سوم علی رغم رابطه قبلی استعماری - استثماری با کشورهای سرمایه داری توانسته اند عناصری مثبت از این جوامع اقتباس کرده و در مسیر توسعه قرار گیرند. (معدن دار، ۱۳۸۵)

نظام جهانی سرمایه داری به سه بخش اصلی تقسیم می شود:

۱- **جوامع مرکز** : این جوامع دارای نظام بانکی قدرتمند، فناوری پیشرفته سرمایه فراوان و تخصص در تولید انبوه کالا می باشند. دولت های موجود در این جوامع به لحاظ ساختار داخلی و همچنین از نظر سیاست خارجی دارای قدرت فراوان و تاثیر گذاری بسیار زیاد بر دیگر مناطق جهان اند .

۲- **جوامع پیرامون** : این جوامع بیشتر بر پایه کشاورزی سنتی یا تولید مواد خام معدنی شکل گرفته اند. در این جوامع نظام صنعتی و بانکی ضعیف و عقب مانده است. دولت در این جوامع چه از نظر ساختار داخلی و چه از نظر خارجی، ضعیف است و به طور عمده تحولات وساختارهای این جوامع تحت تاثیر کشورهای مرکزی قرار دارد .

۳- **جوامع نیمه پیرامون**: این جوامع ترکیبی از خصوصیات جوامع مرکز و پیرامون را دارند. این جوامع یا در حال توسعه اند یا به تازگی تا اندازه ای صنعتی شده اند ولی هنوز برخی از خصوصیات جوامع سنتی - کشاورزی را درون خود حفظ کرده اند و نقش رابط بین مرکز و پیرامون را ایفا می کنند و از رویارویی مستقیم مرکز و پیرامون ممانعت می کنند .

این سه بخش نظام جهانی سرمایه داری را همانند یک زنجیر به هم پیوند داده اند و تمامی تحولات آن ها با هم وابسته شده وساختارهای آن ها به هم گره خورده است. عملکرد تمامی این ساختارهای در نهایت به انباشت بیشتر ومدام سرمایه در مرکز منتهی می شود. لذا جوهر این نظام استثمار به وسیله جوامع مرکز است .

در عمل: می توان موارد زیر را همچون زمینه های مناسب برای پژوهشگران تطبیقی در نظر گرفت .

۱- نقش نظام آموزشی در توسعه اقتصادی

۲- نقش نظام آموزشی در تداوم یا نابودی نظام جهانی سرمایه داری

۳- نقش نظام آموزش در خروج یک کشور از جوامع پیرامونی و پیوستن به جوامع مرکز

۴- نقش نظام آموزش در بقا یک جامعه در وضع پیرامونی یا نیمه پیرامونی

همچنین توجه به نقش نظام آموزش در رهاسازی از چرخه بسته توسعه نایافتگی در کشورهای همچون کره جنوبی- تایوان- سنگاپور- مالزی و اخیرا چین برزیل و هند و ورود به مرحله بالاتری از توسعه می تواند در عمل مورد استفاده قرار گیرد . (ساعی، ۱۳۸۸)

۵- تئوری انتقادی

به آن حلقه انتقادی یا مکتب فرانکفورت هم می گویند زیرا ریشه در فعالیت های مطالعاتی یک مؤسسه علوم اجتماعی وابسته به دانشگاه فرانکفورت دارد. طرفداران این تئوری به نقش و کارکرد نظام آموزش توجه ویژه دارند. آنان مدرسه، برنامه درسی و آموزش و پرورش را به مثابه عوامل و فعالیت های می بینند که از امور علمی محض فرارفته و دارای معانی و الزامات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شده اند. این تئوری تلاش می کند نظام های آموزشی را به خاطر ترویج بی عدالتی از طریق نهاد تعلیم و تربیت مورد نقد قرار دهد.

بزعم آنان برنامه درسی آشکار و پنهان مدارس در خدمت حفظ تداوم یا بازسازی جامعه و ساختار طبقاتی حاکم بر آن است. بر این اساس کار اصلی یک نظام آموزشی باید توانمند سازی افراد و تجهیز آنان به آگاهی انتقادی برای روشنگری و نقد ایدئولوژی حاکم و رهایی از جبر و سلطه موجود باشد. (معدن دار، ۱۳۸۵)

نظریه پردازان انتقادی با توجه به زمینه وخاستگاه های فکری خود به سه گروه اصلی تقسیم می شوند.

۱- گروه اول بر اهمیت وتأثیر برنامه درسی صریح و آشکار در باز تولید آگاهی تاکید می کنند

۲- گروه دوم با تاکید بر نقش « برنامه درسی پنهان» به اتخاذ دیدگاهی که به آن « نظریه باز تولید» می گویند پرداخته اند. بر اساس نظریه باز تولید، مشکلات موجود در نظام آموزشی یک جامعه ناشی از ساختار تضاد طبقاتی آن جامعه است و نظام آموزشی به این ساختار تضاد طبقاتی تداوم بخشید و آن را باز تولید می کند.

۳- گروه سوم نیز در زمینه اندیشه های پست مدرن به سوی دیدگاهی با عنوان نظریه های مقاومت روی آورده اند. به زعم آنان حتی اگر باز تولید اجتماعی و فرهنگی نیز در نظام آموزشی اتفاق بیفتد، این کار ساده و آسان نیست و دانش آموزان در مقابل تقاضاها و فشارهای مدرسه از خود مقاومت نشان می دهند .

در عمل نقش نظام آموزشی در ، پرورش شخصیت سالم و تغییر در روابط بین نهاد خانواده مدرسه همچنین موضوعاتی هم چون نقش رهایی بخش یا سلطه گری نظام آموزشی، وضع دانش آموزان، اقلیت های نژادی و قومی، جایگاه اتحادیه معلمان و نقش والدین می تواند مورد توجه عملی پژوهشگران تطبیقی قرار گیرد. (صحبته و میرزا محمدی، ۱۳۹۴)

۶- تئوری نئولیبرالیسم

طرفداران این تئوری طرفدار دنیای آزاد ، نظام سرمایه داری و اقتصاد خصوصی هستند. این تئوری از یک سو در جستجوی شواهدی برای اثبات ناکارآمدی دخالت دولت و از سوی دیگر اثبات ارزش های مثبت نیروهای بازار در حوزه آموزش و پرورش است. اصول اساسی این تئوری شامل :

- ۱- رها سازی مؤسسات و یا شرکت های خصوصی از هر نوع محدودیت دولتی
 - ۲- قطع هزینه های عمومی برای خدمات اجتماعی مثل آموزش و پرورش یا مراقبت های بهداشتی
 - ۳- بسط و گسترش خصوصی سازی
 - ۴- حذف مفهوم نفع عمومی یا اجتماعی و جایگزینی مفهوم مسئولیت فردی به جای آن (معدن دار، ۱۳۸۵)
- در عمل بر طبق این تئوری، پژوهشگران تطبیقی درصد برآمدند که به پرسش های اساسی زیر پاسخ دهند:
- ۱- در بازار رقابتی آموزش به وضعیت دانش آموزان طبقات فقیر چگونه خواهد شد؟
 - ۲- آیا بازار رقابتی آموزش به معنای گسترش نابرابری در فرصت های آموزشی و افزایش شکاف اجتماعی است ؟
 - ۳- دولت های مختلف چگونه از دولتی سازی آموزش به سوی تجاری سازی و سپس خصوصی سازی کامل آن حرکت خواهد کرد ؟
 - ۴- آیا کنترل قیمت ها برای آموزش هم باید همچون دیگر کالاهای اقتصادی از بین برود ؟

۷.امپریالیسم جدید

امپریالیسم جدید تلاش دارد ثابت نماید آنچه که در حال حاضر ما در گستره جهانی شاهد آن هستیم در واقع تداوم سلطه بر کشورهای است که قبلا جهان دوم و سوم نامیده می شدند.

هاروی امپریالیسم جدید را عبارت از :مجموعه ای از استراتژی های نظامی،دیپلماتیکی و سیاسی می دانست که به وسیله یک دولت برای دستیابی به علائق و منافع خود صورت می گیرد تا در سطح جهانی بتوانند به اهداف خود برسند. (معدن دار،۱۳۸۵).

مقایسه آموزش و پرورش تطبیقی در کشورهای مختلف

۱- کشور ایران

نظام آموزش و پرورش نوین ایران از کودکستان ها ، دبستان ها ، مدارس راهنمایی ، دبیرستان ها ، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی تشکیل شده است .مقدمات ایجاد این نظام ، از زمان تأسیس دارالفنون ، در سال ۱۲۲۱ هجری شمسی و وزارت علوم در ۱۲۳۲ هجری شمسی فراهم شد و بعد از انقلاب مشروطیت به تدریج سازمان و تشکیل یافت.

آموزش و پرورش به عنوان بزرگ ترین نهاد آموزشی کشور از جایگاه والایی برخوردار است. رسالت نظام آموزشی در هر جامعه ای رشد و تربیت انسان های صالح و متعالی و در نهایت پیشرفت اجتماعی می باشد.یکی از بهترین شیوه ها برای سنجش عملکرد یک نظام، بررسی خروجی های آن است که در صورت منطبق بودن با اهدا نظام می توان پی برد که سیاست ها و فرآیند اجرای آن ها به درستی عمل می کند و خرده نظام ها نیز از کارایی لازم برخوردار است. مهم ترین خروجی نظام آموزش و پرورش، دانش آموزان هستند . از جمله سیاست های بارزی که در برخورد با این مشکل اساسی آموزش و پرورش توسط اکثر مدیران و وزراء اعمال شده است، تغییر تعداد سال های تحصیل در هر مقطع تحصیلی می باشد. (قنوتی و همکاران ۱۳۹۷)

۲- کشور ژاپن

پیشرفت های نظام آموزشی ژاپن در چند سال اخیر موجب حیرت و حسرت جهانیان و مورد توجه کارشناسان و کارگزاران آموزشی کشورها قرار گرفته است. رسالت این نظام علاوه بر انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت ها، نگرش ها و در نهایت رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان است. سن آموزشی در کشور ژاپن از ۶ سالگی آغاز می شود و پایان ۱۷ سالگی به اتمام می رسد.

کلاس های آموزشی در کشور ژاپن از ۸ صبح آغاز می شود و ساعت ۱۵ بعدازظهر به پایان می رسد. تعداد هفته های آموزشی در این کشور حدوداً ۳۹ الی ۴۰ هفته است. مجموع تعطیلات این کشور از جمله تعطیلات تابستانی بین ۷۰ الی ۸۰ روز است.

ناشران خصوصی کتاب های درسی را بر اساس رهنمودهای دوره های آموزشی تدوین می کنند و کتاب های درسی توسط وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، ورزش، علم و فناوری تأیید می شوند.

فعالیت های فوق برنامه از کلاس چهارم آغاز می شود و شامل بسکتبال، پخت و پز، دوخت، بازی، نرم افزار، علوم و... است. بسیاری از مدارس پس از اتمام ساعات درسی آموزش سرگرمی و مهارت دارند، چون اگر این مواد آموزشی به طور روزانه در مدرسه تدریس شوند وقت زیادی از کلاس روزانه را به خود اختصاص می دهند. (محمد لو و نعمتی، ۱۳۹۵)

سیستم آموزشی ژاپن از موفق ترین سیستم های آموزشی دنیا است به طوری که هیچ فرد بی سوادى در این کشور وجود ندارد. دانش آموزان در ژاپن در کلاس های خود به موقع حاضر شده و غیبت ندارند.

دانش آموزان ژاپنی تقریباً هرگز در کلاس های دوره ابتدایی، متوسطه اول یا متوسطه دوم مردود نمی شوند. ژاپن سرایدار ندارند و خود دانش آموزان ساختمان مدرسه را تمیز می کنند و زمان خاصی به این امر اختصاص داده شده است. در زمان این فعالیت موسیقی نواخته می شود تا احساس خوبی در دانش آموزان ایجاد شود. این روش تجربه خوبی برای آموختن مسئولیت در کودکان ایجاد خواهد کرد (قلتاش و همکاران، ۱۳۹۶).

۳- کشور انگلستان

آموزش و پرورش در جامعه ی انگلیس سابقه ای چندین هزار ساله دارد و علاقه مند به سنت ها و فرهنگ و در حفظ ملیت و موارث فرهنگی خود اهتمام دارند. به گونه ای که ویژگی های فرهنگی آن ها را در معماری ساختمان ها، مراسم ملی و حتی پوشش ظاهری شان می توان مشاهده کرد.

تا اواخر قرن نوزدهم آموزش و پرورش در انگلستان اجباری و همگانی نبود و تنها ثروتمندان و افراد متمکن قادر بودند فرزندان خود را به مدارس بپارند. نظام آموزش و پرورش در انگلیس از زمان های بسیار قدیم طبقاتی و انحصاری وابسته به کلیسا بود. به طور کلی تا پیش از انقلاب صنعتی تشکیلات مذهبی در کلیه ی شئون اجتماعی و سیاسی انگلستان نفوذ داشت. پس از انقلاب صنعتی، بر اثر آگاهی توده های مردم، آموزش و پرورش از زیر نفوذ کلیسا خارج شد و دولت و مقامات منطقه ای عهده دار آن شدند (فراهانی و صبورى، ۱۳۹۰).

سن آموزشی در کشور انگلیس از ۵ سالگی آغاز می شود و تا پایان ۱۵ سالگی به طول می انجامد. سال تحصیلی در کشور انگلیس ۵ سپتامبر آغاز می شود که تاریخ آغاز مدارس انگلیس برابر با ۱۵ شهریور در ایران است. کلاس های آموزشی مدارس در انگلیس از ساعت ۸ صبح آغاز می شود و رأس ساعت ۱۴ به پایان می رسد. تعداد هفته های آموزشی این کشور حدوداً ۳۸ هفته است. مجموع تعطیلات مختلف در این کشور از جمله تعطیلات تابستانی تقریباً ۱۰۰ روز است. دانش آموزان در ساعت ۸ صبح در کلاس درس حضور دارند و تا قبل از ساعت ۱۴ هیچ دانش آموزی حق ترک کلاس درس را ندارد. روش انگلیسی ها را برای تعلیم و تربیت، پرورش قوای بدنی، پرورش قوای ذهنی و روحی و اخلاقی، تربیت فردی و اجتماعی است. دولت طرحی را به تصویب رسانده و در حال اجرای آن است که تا سال ۲۰۱۲ معلمی که دوره ی تربیت معلم را نگذرانده باشد در سیستم آموزشی وجود نداشته باشد. از سال ۲۰۰۶ نیز معلمی که این دوره را نگذرانده باشد یا در حال گذراندن آن نباشد به استخدام در نیامده است. مشکلات فراوانی در این نظام به چشم می خورد و کارشناسان دائماً در حال نقد و بررسی این موارد هستند. در زمینه ی مسائل تربیتی می توان به مشکلات جنسی در سنین پایین، مصرف مواد مخدر، قلدری، حاضر نشدن در کلاس های درس و بعضاً بی احترامی به معلمان و مسئولین آموزشی اشاره کرد. کتاب درسی در این سیستم وجود ندارد ولی سیلابس درسی هر رشته معین شده است و کتاب های فراوانی توسط بخش خصوصی و مؤسسات برگزار کننده آزمون های استاندارد نوشته شده است. (قلتاش و همکاران، ۱۳۹۶)

ویژگی های بارز نظام تعلیم و تربیت در انگلستان

- ۱- وجود یک زبان نوشتاری و تکلم در انگلستان و کمک به برقراری اتحاد و همبستگی ملی.
- ۲- طبقه بندی و گروه بندی دانش آموزان برحسب هوش و استعداد.
- ۳- گرایش محصلین به سمت تعلیمات نظری به لحاظ چشم اندازهای بهتر شغلی و درآمد بیشتر نسبت به تعلیمات فنی و حرفه‌ای بیشتر است.
- ۴- آموزش نیمه وقت، بازآموزی، آموزش مکاتبه ای و از راه دور در برنامه های آموزشی نقش مهمی دارد.
- ۵- وجود مدارس مجزا در سطوح مختلف تحصیلی برای دختران و پسران.
- ۶- آموزشهای غیررسمی جایگاه خاص دارد مانند مؤسسات متعدد فراگیری، تعداد کلپ فرهنگی، هنری و علمی. (ملایی نژاد و ذکاوتی، ۱۳۸۷)

۴- کشور سنگاپور

سیاست‌های آموزشی سنگاپور، متمرکز بر رشد منابع انسانی است و سعی می‌شود تا دانش‌آموزان را با نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور آشنا ساخته سیاست‌های آموزشی سنگاپور ایجاب می‌کند که هر دانش‌آموزی زبان انگلیسی و زبان مادری خویش را یاد بگیرد. این عمل موجب می‌شود که دانش‌آموزان تبحر کافی را در زبان انگلیسی که زبان تجارت، علم و فناوری است داشته باشند. یک از مهم ترین اهداف آموزشی سنگاپور، فراهم ساختن آموزش جامع برای هر یک از شهروندان است. (احمدی، ۱۳۹۷)

در نظام آموزشی سنگاپور، در مقطع ابتدایی، دانش‌آموزان چهار سال را به عنوان مرحله پایه‌ای می‌گذرانند. همه دانش‌آموزان در دوره پایه موظف هستند برنامه‌های مشترک زبان انگلیسی، زبان مادری، علوم تجربی و ریاضیات را داشته باشند. مقطع متوسطه حدود چهار الی پنج سال است و زمان آن به استعداد دانش‌آموز بستگی دارد. تمامی کتاب‌های درسی، کار و ارزشیابی مدارس سنگاپور، برای هر سطح و پایه‌ای، بر پایه سیلابس‌های تنظیم شده از طرف وزارت آموزش و پرورش تدوین شده‌اند. علاوه بر کتاب‌های درسی و کار، در نظام آموزشی سنگاپور استفاده از کتاب‌های ارزشیابی از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است. کتاب‌های ارزشیابی سبب می‌شوند تا دانش‌آموزان در کنار کتاب‌های کار مدرسه تمرینات اضافی نیز داشته باشند (صفری، ۱۳۸۵).

در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه متغیرهای پژوهش اشاره می‌شود:

(قنوتی و همکاران، ۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان (بررسی تطبیقی آموزش و پرورش در ایران و فرانسه) انجام داده اند که اهداف پژوهش‌های تطبیقی در حوزه آموزش و پرورش را عبارتند از: کشف حقایق و مسائل تربیتی کشور خویش از طریق تحلیل و شناخت مسائل نظام‌های آموزشی سایر کشورها، ارزشیابی مبتنی بر واقعیت‌نگری، برنامه ریزی، گفتمان فرهنگی بر اساس صلح و دوستی و تفاهم و مدارا در بین ملت‌ها، شناسایی پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در حوزه آموزش و پرورش دیگر کشورها، آگاهی از مسائل آموزش و پرورش در دنیا می‌دانند.

(قلتاش و همکاران، ۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان (آموزش و پرورش تطبیقی ایران، انگلستان و ژاپن) انجام داده اند که بیشترین تأکید آن‌ها در این مقاله ریشه‌های پیشرفت کشورهای موردهدف در مقایسه با ایران است، این که چگونه این کشورها در کمترین زمان توانست پله‌های ترقی را طی کند و در عصر حاضر تبدیل به یک کشور صنعتی شود و اینکه چرا ایران که روزی مهد تمدن بوده، اکنون تبدیل یک کشور در حال توسعه شده که دارای چالش‌های زیادی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعت شده است.

(ربانی و همکاران، ۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان (بررسی تطبیقی نظام آموزش و پرورش ابتدایی ایران و کشور انگلستان) انجام داده اند که نتایج نشان داد: به منظور بهبود بخشیدن به مسأله برنامه ریزی و روش‌های آموزشی، اغلب کشورهای جهان از مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش بهره گرفته اند و از آن به عنوان شرط لازم برای طراحی نظام‌های آموزشی نوین خویش نام می‌برند.

(حمیدی و صبوری، ۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان (تاثیر جهانی شدن بر نظام آموزش و پرورش «مطالعه تطبیقی انگلستان، ژاپن و آمریکا» انجام داده اند که نتایج نشان داد: اغلب کشورهای پیشرفته خصوصاً انگلستان، ژاپن و آمریکا جهانی شدن را نه تهدید بلکه فرصت می‌دانند؛ زیرا همان طور که تاریخ نشان می‌دهد آن‌ها خود در فرایند تاریخی سرآمد و پیشرو تغییرات جهانی بوده و هستند. تغییراتی که از لحاظ فکری در دوره ی رنسانس آغاز و پس از انقلاب صنعتی تشدید و در دوران اخیر به اوج خود رسیده است. این تغییرات منجر به اصلاح و نوآوری و پیشرفت این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، فنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص آموزشی شده است.

نتیجه گیری

مطالعه نظام آموزش و پرورش هر کشور باید با توجه به مسائل مختلف آن کشور صورت گیرد و اگر قرار است کاری مانند مقایسه انجام شود و به نتیجه ای مانند الگوبرداری منجر گردد، بایستی همه جنبه های آن دو جامعه به خوبی شناخته شوند. یکی از یافته های مهم پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش این است که نظام های آموزشی کشورها با تمامی اوضاع و احوال جامعه های خود (فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ...) در ارتباطی دو سویه و به طور کلی در یک مجموعه پیچیده از ارتباطات قرار دارد که مطالعه نظام های آموزشی آن جامعه را بدون مطالعه تک تک این زیرسیستم ها و نهادها از جمله خانواده و فرهنگ بی معنا می کند.

- نتایج تحقیق نشان می دهد که کشور انگلستان نسبت به ایران از وضعیت آموزشی مطلوب تری برخوردار است و ایران برای رسیدن به این وضع مطلوب آموزشی فاصله زیادی دارد.

در ایران، بسیاری از اهداف فعالیت های فوق برنامه، کلی و بر حیطه های نگرشی تأکید دارند. همچنین اهداف، از شفافیت و وضوح کافی برخوردار نیستند و این امر موجب سردرگمی متولیان و اجراکنندگان فعالیت های فوق برنامه در کشور ما شده است. در حالی که در کشور انگلستان، اهداف بسیار روشن و مشخص هستند و دقیقاً با تفکرات طبیعت گرایی و تجربه گرایی که بر نظام آموزش و پرورش این کشور حاکم است، منطبق و قابل اجرا می باشد. کشور انگلستان بر آشنایی با مذاهب و فرهنگ های گوناگون محلی، منطقه ای و جهانی، درک ارزش های سنت های خود و دیگران و افزایش تحمل و سعه صدر در مقابل فرهنگ های دیگر و ... تأکید دارد، این اهداف در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. محتوای برنامه ها در ایران از تنوع کمتری برخوردار است و بیشتر به فعالیت های مذهبی اهمیت داده شده است.

هر چند انتقادات زیادی به سیستم آموزشی ژاپن وارد شده است، اما برخی از کشورهای اروپایی نیز از این سیستم پیروی می کنند. اصلی ترین عامل در این مورد وابستگی مادر و فرزند از بدو تولد است و چگونگی پرورش و آموزش کودکان ژاپنی توسط مادر تا ورود به مقطع تحصیلی است.

در تحقیقات صورت گرفته مشخص شده بسیاری از کودکان در سن مدرسه بسیار دلیر، کنجکاو و خودکفا بوده و مهارت های غیرشناختی در آنان ارتقا یافته است، افزایش مهارت های غیرشناختی مانند پشتکار، خودکنترلی، کنجکاوی، دیانت و اعتماد به نفس نیز موجب می شود که کودک ژاپنی بیش از ۱۰ ساعت در هفته تمرین ریاضی داشته باشد و از تکالیف خود خسته نشود و احساس نارضایتی نکند. پس دلایل موفقیت به IQ بالا ربطی ندارد و مهارت های غیرشناختی راز موفقیت است.

اگر ما بخواهیم چیزی را از ژاپن وام بگیریم توجهی است که آن ها به اولویت فرهنگی برتر خودشان دارند که آن هم بهبود زندگی کودکان است. اگر ما چنین اولییتی نداریم پس مسئولیت فرهنگی و خانوادگی ما آن است که چنین اولییتی ایجاد کنیم.

نظام آموزشی سنگاپور شباهت زیادی به نظام آموزشی کشورمان دارد. نظام آموزشی آزاد و انعطاف پذیر سنگاپور دنبال کننده سیاست های آموزشی اقتصاد محور بوده که متمرکز بر رشد منابع انسانی است و سعی می شود تا دانش آموزان را با نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور آشنا سازد. سیاست های آموزشی سنگاپور ایجاب می کند که هر دانش آموزی زبان انگلیسی و زبان مادری خویش را یاد بگیرد. این عمل موجب می شود که دانش آموزان تبحر کافی را در زبان انگلیسی که زبان تجارت، علم و فناوری است داشته باشند.

عوامل مختلفی در موفقیت دانش آموزان سنگاپوری و نظام آموزش و پرورش سنگاپور نقش دارند که اولین و مهم ترین عامل کارایی، احساس مسئولیت و فعالیت هدفدار و برنامه ریزی شده وزارت آموزش و پرورش سنگاپور است.

چند راهکار برای بهبود آموزش و پرورش ایران

۱- مطالعه تطبیقی در مورد آموزش و پرورش جهان

۲- گرفتن الگوی مناسب از آنان و نادیده نگرفتن فعلیت های خود

۳- جذب معلمان با مهارت و مکانیسم هایی که طی آن معلمان مناسب تر به مراکز آموزشی جذب گردند

۴- وجود برنامه های مدون و منظم در آموزش ابتدایی و تناسب محتوا با مخاطبان

۵- ارائه برنامه های درسی بومی هر منطقه با توجه به فرهنگ، امکانات و طبیعت آن منطقه.

منابع

- آرمند، محمد (۱۳۹۴). نقدی بر کتاب آموزش و پرورش مقایسه ای. فصلنامه پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه ای علوم انسانی، سال پانزدهم، شماره چهارم، ص ۱-۱۶
- ابراهیمی مقدم، ندا؛ خوشچهره، محمد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۵۱، ص ۱۷۳-۱۹۸
- معدن دار، عباس، آموزش و پرورش تطبیقی، ترجمه دکتر پروین عباسی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۵
- آموزش و پرورش تطبیقی و بین المللی، دیوید فیلیپس و میشل شوايسفورث، ترجمه محمدجواد لیاقت دار، اصغر سلطانی، افسانه کلباسی، سمیه محمدزاده-انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۹۶
- صفری، پروا، (۱۳۸۵). راز موفقیت آموزش و پرورش سنگاپور، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره (۲) ۱۷۸.
- حمیدی فراهانی، همایون؛ صبور خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۰). تأثیر جهانی شدن بر نظام آموزش و پرورش (مطالعه تطبیقی انگلستان، ژاپن و آمریکا) فصلنامه راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۶۳-۹۴
- قنوازی، فرید، جعفر بیگی، مریم، خمیسی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی آموزش و پرورش در ایران و فرانسه، هفتمین همایش علمی و پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی
- قلتش، عباس، منصوری، عباس، حسن زاده، حسین (۱۳۹۶). آموزش و پرورش تطبیقی ایران، انگلستان و ژاپن، همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت
- آقا زاده، احمد آموزش و پرورش تطبیقی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۲.
- ربانی، حسن، الهامی، حمیدرضا، رضاپور منفرد، احمد، نورمحمدی دوین، عباس، بربستانی، محمد حسن (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی نظام آموزش و پرورش ابتدایی ایران و کشور انگلستان، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران
- حمیدی فراهانی، همایون، صبور خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۰). تأثیر جهانی شدن بر نظام آموزش و پرورش (مطالعه ی تطبیقی انگلستان، ژاپن و امریکا). فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی
- ملایی نژاد، اعظم، ذکاوتی، علی (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نظام برنامه درسی تربیت معلم در کشورهای انگلستان، ژاپن، فرانسه، مالزی و ایران. نشریه نوآوری های آموزشی، دوره ۷، شماره ۲۶.
- محمدلو، اکرم، نعمتی، لیلا (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی نظام آموزشی ایران و ژاپن در دوره پیش دبستانی و دبستانی. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران
- احمدی، ابوطالب؛ احمدی، محمد (۱۳۹۷). آموزش و پرورش تطبیقی کشورهای کره جنوبی، ژاپن و سنگاپور، پنجمین همایش علمی پژوهشی از نگاه معلم.
- ساعی، احمد (۱۳۸۸). نقد و ارزیابی نظریه نظام جهانی: موافقان و منتقدان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵
- صحبتلو، علی؛ میرزاحمدی، محمد حسن (۱۳۹۴). تاملی بر نظریه انتقادی در تعلیم و تربیت، فصلنامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، سال اول، شماره دوم
- ساعی، احمد (۱۳۸۵). مقدمه ای بر نظریه و نقد پسا استعماری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۳، ص ۱۳۳-۱۵۴
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ قدسی، امیر (۱۳۸۹). نظریه های فرهنگی فمینیسم و دلالت های آن بر جامعه ایران، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، ص ۱۰۹-۱۳۲
- دهپانی پور، رضا؛ خرم پور، یاسین (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه های پست مدرنیسم و عوامل مرتبط با آن (مطالعه ی موردی: جوانان شهر یزد). فصلنامه ی مطالعات توسعه ی اجتماعی فرهنگی، دوره ی چهارم، شماره ی ۴، صفحات ۷۷-۹۵